

اعتکاف پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در مسجد

رضا مفاخری

اعتکاف چیست؟ معتکف کیست؟

اعتکاف از نظر لغوی، به معنای اقامت کردن و ماندن درجایی و یا ملازم بودن با چیزی است و در شرع مقدس اسلام، یعنی: توقف و اقامت در مسجد. معنای اصطلاحی «اعتکاف» توقف در مسجد به قصد عبادت و تقرب جستن به خداوند متعال است.^۱ مطالعه در سیره انبیاء، ما را رهنمون می‌سازد به اینکه آنان اوقات را برای گسستن از خلق و ایجاد ارتباط خاص با خدای متعال صرف می‌کردند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نه تنها خود را بی‌نیاز از این سنت الهی نمی‌دانست، بلکه اهتمام ویژه‌ای برای آن قایل بود. در روایات آمده است:

«کان رسول الله اذا كان العشر الاواخر اعتکاف فی المسجد و ضربت له

قبة من شعر و شمر المنزر و طوی فراشه».^۲

در روایات دیگری سخن از قضای اعتکاف به میان آمده است:

«کانت بدر فی شهر رمضان ولم یعتکف رسول الله صلی الله علیه و آله فلما آن کان

م

قابل اعتکف عشرين عشرا عامه و عشرا قضاءً لمافته».^۳

چون حضرت در جنگ بدر، که در ماه رمضان واقع شده بود، موفق به اعتکاف نشد، در ماه رمضان سال بعد، ۲۰ روز معتکف شد؛ یک دهه برای سال قبل و یک دهه برای همان

^۱ . تحریر الوسیله: ج ۱ ، ص ۳۰۴ ، «خاتمه فی اعتکاف».

^۲ . اصول کافی: ج ۱ ، ص ۳۰۴ ، ب «اعتکاف».

^۳ . همان، حدیث دوم.

سال. از اینجا معلوم می‌شود اعتکاف چقدر نزد حضرت مهم بوده که حتی در صورت عدم امکان و موفق نشدن به اعتکاف، قضای آن را انجام می‌داده است. در روایاتی آمده است که يك دهه اعتکاف در ماه رمضان معادل دو حج و دو عمره است.^۴

«معتكف» کسی است که اعتکاف نموده است. این فرد باید در این مدت، روزها را روزه بگیرد و در تمام مدت، بدون عذر، مسجد را ترك نکند او باید هنگام اعتکاف، از کارهایی همچون امور جنسی، خرید و فروش، بوییدن گیاهان معطر، مجادله و خودنمایی پرهیز کند. انسان در حال اعتکاف می‌تواند اوقات خود را به ذکر و یاد خداوند و نماز و تلاوت قرآن و یا کارهای مباح سپری کند.

پیشینه تاریخی اعتکاف

با مطالعه کتاب‌های گوناگون می‌توان گفت: اعتکاف از عبادت‌های مخصوص دین اسلام نیست و در ادیان گذشته نیز وجود داشته است. گرچه اطلاعات قابل توجهی را نمی‌توان در این زمینه یافت، اما علامه مجلسی در *بحارالانوار* از تفسیر تبیان نقل می‌کند که گفته شده است: حضرت سلیمان علیه‌السلام در مسجد بیت‌المقدس به مدت يك سال و دو سال، يك ماه و دو ماه و کمتر و بیشتر اعتکاف می‌کرده است. آب و خوراك برای آن حضرت فراهم می‌شد و او در همان‌جا به عبادت می‌پرداخت.^۵

بعضی از آیات قرآن از ریشه‌دار بودن اعتکاف در ادیان گذشته خبر می‌دهند:

«وَعَهْدِنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ»^۶

و به ابراهیم و اسماعیل توصیه نمودیم تا خانه‌ام را برای طواف کنندگان و معتکفان و نمازگزاران تطهیر کنند. اگر «عاکفین» را به معتکفین تفسیر کنیم، می‌توانیم بگوییم: در زمان حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهما‌السلام نیز عبادتی به نام «اعتکاف» وجود داشته و پیروان دین حنیف گرداگرد کعبه معتکف می‌شده‌اند. به هر روی، برخی از مفسران برآنند که از آیه ۱۲۵ سوره بقره می‌شود برداشت کرد: اعتکاف به عنوان يك عبادت، در دیگر ادیان الهی نیز وجود داشته

^۴ . من لایحضره الفقیه: ج ۲ ، ص ۱۸۸ ، ب «اعتکاف»، ح ۲۱۰۱ .

^۵ . بحارالانوار: ج ۱۴ ، ص ۱۴۱ .

^۶ . بقره: ۱۲۵ .

است.^۷

از قرآن استفاده می‌شود که حضرت مریم علیها السلام آن‌گاه که با فرشته الهی ملاقات کرد، از مردم به دور بود و در خلوت به سر می‌برد^۸ علامه طباطبائی در المیزان همین دوری حضرت را روی آوردن به اعتکاف و عبادت تفسیر می‌کند.^۹

اعتکاف حتی در دوران جاهلیت نیز در میان مردم رایج بوده است.^{۱۰} علامه حلی در کتاب تذکرة الفقهاء به مشروعیت اعتکاف در ادیان پیشین تصریح نموده است.^{۱۱} با توجه به بررسی‌های موجود و با عنایت به اسناد و شواهد می‌توان گفت پیش از اسلام، اعتکاف وجود داشته است و در قرآن به وجود اعتکاف تصریح شده است و همان‌گونه که گفته شد حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله عنایت ویژه‌ای به این امر داشت و این جزو سنت پیامبر شناخته می‌شود، گرچه ممکن است در اسلام، برخی از احکام و شرایط آن تغییر یافته باشد. تأکید و اهتمام حضرت به این امر را می‌توان با مطالعه درباره چگونگی برخورد پیامبر با این سنت اسلامی فهمید؛ زیرا هرگاه پیامبر و اولیای دین، که رسالت اصلی آنان تربیت و سازندگی انسان‌هاست، به برنامه‌ای اهمیت فراوان می‌دهند نشانگر آثار مثبت و سازنده آن است. میزان اهتمام و توجه رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به اعتکاف با توجه به مسئولیت بزرگ هدایت اجتماعی، که بر دوش آن حضرت بود، بیانگر اهمیت این مسئله است.

همان‌گونه که گفته شد، آن حضرت در دهه آخر ماه رمضان، خیمه‌ای موین در مسجد به‌پا می‌کرد و در آنجا معتکف می‌شد و با جدیت کامل، به عبادت می‌پرداخت^{۱۲} و هرگز پرداختن به این کار، برایش موردی و اتفاقی نبود، بلکه مکرر آن را انجام می‌داد^{۱۳} و مردم و مسلمانان نیز به‌همراه ایشان در این امر شرکت می‌کردند تا آنکه این عمل بین مسلمانان رواج پیدا کرد و حتی حضرت به قضای اعتکاف نیز توجه داشت. یکی از ستون‌های مسجد پیامبر به‌نام «اسطوانة السریر» (ستون تخت)، که تا به امروز نیز معلوم و معین است، محل اعتکاف پیامبر بود.

۷. اعتکاف سنتی محمدی: ص ۲۲.

۸. «و اذکرهم فی کتاب مریم اذ انتبذت من اهلها مکانا شرقیا فاتخذت من دونهم حجابا فارسلنا الیها روحنا فتمثل لها بشرا سويا» مریم: ۱۶ و ۱۷.

۹. المیزان فی تفسیر قرآن: ج ۱۴، ص ۳۴ - ۲۵.

۱۰. صحیح مسلم: ج ۱۱.

۱۱. تذکرة الفقهاء: ج ۶، ص ۲۳۹.

۱۲. الکافی: ج ۴، ص ۱۷۵.

۱۳. صحیح مسلم: ج ۸، ص ۶۶ - ۶۸.

در کنار این ستون، تختی برای استراحت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داده بودند.^{۱۴} در برخی نقل‌ها، ستون «توبه» نیز، که یکی از ستون‌های شناخته شده مسجدالنبی است، به عنوان محل قرار گرفتن تخت پیامبر ذکر شده.^{۱۵}

علاوه بر پیامبر صلی الله علیه و آله پیشوایان دین و امامان معصوم علیهم السلام نیز به شیوه‌های گوناگون بر اهمیت اعتکاف تأکید کرده و مسلمانان را تشویق نموده‌اند تا در این سنت اسلامی از پیامبر خویش پیروی کنند برای مثال، امامان معصوم علیهم السلام در تفهیم اهمیت اعتکاف به مسلمانان، به مقایسه فضیلت اعتکاف با برخی اعمال دیگر پرداخته‌اند امام صادق علیه السلام می‌فرماید: ثواب زیارت امام حسین علیه السلام برابر است با ثواب یک حج و یک عمره و دو ماه اعتکاف در مسجد الحرام.^{۱۶} این سخن و سفارش حضرت دلیل بر فضیلت اعتکاف است که با زیارت امام حسین علیه السلام برابری می‌کند.

متأسفانه این سنت نبوی در یک مقطع زمانی خاص، به ویژه در زمان بنی‌امیه رو به تعطیلی کامل نهاد و به دست فراموشی سپرده شد. اما بحمدالله پس از پیروزی انقلاب اسلامی و عنایت ویژه مسئولان، بخصوص مقام معظم رهبری، و با توجه به پیگیری‌های فراوان و البته اطلاع‌رسانی جامع به مردم، در حال حاضر، مراسم اعتکاف با شور و شوق و صف‌ناپذیری در دو دهه اخیر انجام می‌شود. شور و اشتیاق نوجوانان و جوانان تحسین برانگیز است.

آنان برای تزکیه نفس، احیای سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، یاد خدا و تقرب به او و پاک‌سازی از گناهان رنج اعتکاف و اجتناب از برخی امور حلال را بر خود هموار می‌کنند.

انسان موجودی است که به فراخور طبع خویش و یا سراجبار، به اجتماعی زیستن تن داده است و این امر سبب می‌شود تا او همواره درگیرودار مسائل و مشکلات سنگین زندگی امروزی باشد.

این امر موجب می‌شود آفت «خدا فراموشی» و «خودفراموشی» در انسان رشد کند. بدین روی، انسان از نظر روحی و روانی نیازمند است که زمانی را به خلوت با خدا و خود

^{۱۴} . اعتکاف سنتی محمدی: ص ۴۳ .

^{۱۵} . وفاء الوفا باخبار المصطفی: ج ۲ ، ص ۴۵۲ .

^{۱۶} . بحارالانوار: ج ۱۰۱ ، ص ۷۱ .

اختصاص دهد و به پالایش درون و زدودن زنگارهای غفلت از دل بپردازد، غفلتی که لازمه طبیعی اجتماعی بودن انسان است. ادیان الهی با توجه به همین نیاز روحی، با آنکه انسان را به حضور در جامعه و شرکت در فعالیت‌های اجتماعی فرا می‌خوانند، فرصت‌هایی را نیز برای خلوت نمودن با خدا پیش‌بینی کرده‌اند، و اعتکاف در مسجد یکی از این فرصت‌هاست.

پیامبر خدا در مراحل زندگی در قبل و بعد از مبعوث شدن به پیامبری، اوقاتی را به گسستن از مردم و ایجاد ارتباط ویژه با حق تعالی اختصاص می‌داد. ایشان با وجود عظمت روحی و رسیدن به کمالات عالی انسانی، خود را از اعتکاف و خلوت‌بینی آزاد نمی‌دانست و نسبت به آن اهتمام خاص داشت و حتی علاوه بر توجه خاص به بیان فضایل و پاداش بزرگ آن برای مؤمنان و تشویق آنان، به این عمل پرداخت و می‌فرمود: اعتکاف عسرفی شهر رمضان تعدل حجتین و عمرتین^{۱۷} يك دهه اعتکاف در ماه رمضان، همچون دو حج و عمره است. با توجه به زندگی ماشینی و زرق و برق بسیار و سرگرمی‌های فراوان عصر حاضر و روابط اجتماعی گسترده انسان‌ها، تأکید و اهتمام بر نقش سازنده اعتکاف ضرورتی دوچندان دارد زیرا اعتکاف خلوت مشروع و پسندیده‌ای است که زمینه را برای گسستن فرد از سرگرمی‌های پوچ فراهم می‌آورد و انسان را با خدا پیوند می‌دهد و از آفت خود بیگانگی می‌رهاند.

همگانی و ضروری بودن اعتکاف

اعتکاف عبادتی همگانی است و حتی شامل زنان و کودکان ممیز نیز می‌شود و آنها هم می‌توانند از این چشمه جوشان فیض الهی و این فرصت استثنایی بهره‌مند شوند. شاید کسی بگوید: برخی از فقها «خانه» را مسجد زن می‌دانند،^{۱۸} پس اعتکاف او نیز باید در خانه باشد. اما اولاً، نباید رابطه اعتکاف را با مسجد رابطه‌ای جداگانه دانست. این رابطه‌ای قوی و جدایی‌ناپذیر است؛ زیرا از نظر مکان اعتکاف، محدودیت‌هایی وجود دارد که نظریه معروف آن است که این عملی مستحب باید در یکی از مساجد چهارگانه (مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه، مسجد بصره) انجام گیرد و گروهی از فقها انجام آن را در مساجد جامع هر شهر و منطقه، به ویژه به قصد قربت و به امید اینکه ان شاء الله مطلوب درگاه الهی قرار گیرد، جایز دانسته‌اند و حتی برخی برآنند که اعتکاف در سایر مساجد نیز به قصد رجاء اشکالی ندارد.^{۱۹} پس اعتکاف زنان نیز باید در مسجد باشد.

ثانیاً، این برداشت که اعتکاف زن در خانه باشد، مبتنی بر قیاس است که در فقه شیعه

^{۱۷} . وسائل الشیعه: ج ۷، ص ۳۹۷ .

^{۱۸} . همان: ج ۳، ص ۵۰۹ .

^{۱۹} . استفتای تلفنی نگارنده از دفتر مقام معظم رهبری دام‌پله‌العالی.

جایگاهی ندارد. از این رو، هیچ يك از فقهای شیعه اعتکاف زن را در خانه جایز نمی‌دانند.^{۲۰} در صحیحه حلبی به نقل از امام صادق علیه‌السلام، پس از ذکر برخی احکام اعتکاف آمده: اعتکاف المرأة مثل ذلك^{۲۱} اعتکاف زن مثل اعتکاف مرد است. ظاهر این روایت تشبیه دو اعتکاف در تمام مراحل احکام است پس همان‌گونه که برای مردان مستحب است، برای زنان نیز مستحب است. در واقع، حضور زن در مسجد نباید همراه با عوارض منفی باشد. حتی گاهی زنان پیامبر هم با آن حضرت در مسجد اعتکاف می‌کردند.^{۲۲}

در سنن بیهقی آمده است: پس از وفات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز بعضی از زنان او به اعتکاف اهتمام داشتند.^{۲۳} بدین روی، بهتر است امکان حضور زنان در مساجد برای اعتکاف فراهم شود، بخصوص در شهرهایی که چند مسجد جامع دارد تا آنان بتوانند با آرامش کامل، در آنجا به عبادت بپردازند. در مورد کودکان و نوجوانان نیز با توجه به اینکه بیشتر فقها عبادت‌های آنان را صحیح می‌دانند، جا دارد زمینه شرکت آنان در این مراسم پرفیض فراهم آید. بی‌گمان، حضور نوجوانان در این مراسم، باعث تربیت و انس و رشد و ترقی و بالندگی آنان خواهد بود؛ زیرا مراسم اعتکاف در دوران پیامبر، در دهه آخر رمضان صورت می‌گرفت که اگر در کشور عزیزمان نیز این‌گونه می‌بود، حضور جوانان در این مراسم، آن هم در ماه رحمت و فیض و برکت سبزتر بود، اگر چه آن‌گونه که اکنون نیز در روزهای ۱۳ و ۴ و ۱۵ ماه رجب این سنت الهی برگزار می‌شود، باز هم شاهد برکات و نتایج ارزشمند آن هستیم.

اما به اعتقاد برخی از نویسندگان، برگزاری اعتکاف در ماه رجب يك نقيصه به‌شمار می‌آید؛ چنان‌که در برخی کشورهای اسلامی نیز این مراسم در ماه نزول قرآن برپا می‌شود که مبتنی بر پایه سنت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است، و بهار اعتکاف را ماه رمضان می‌دانند؛ زیرا در این ماه، دل‌ها آماده‌تر است و برخی افراد از کارهای روزانه خود نیز می‌کاهند و به عبادت مشغول می‌شوند. در این ماه، حتی آمار خلاف و سرقت و کارهای خلاف عفت عمومی نیز به حداقل می‌رسد. برخی روایات فضیلت اعتکاف در ماه رمضان را بی‌ارتباط با شب قدر نمی‌دانند.^{۲۴}

^{۲۰} . جواهرالکلام: ج ۱۷ ، ص ۱۷۵ .

^{۲۱} . وسائل الشیعه: ج ۷ ، ص ۴۰۸ .

^{۲۲} . سنن ابی‌داود: ج ۲ ، ص ۳۳۴ .

^{۲۳} . سنن بیهقی: ج ۴ ، ص ۳۱۵ .

^{۲۴} . اعتکاف سنتی محمدی: ص ۴۵ .

امید است مراسم اعتکاف در ماه رمضان نیز همچون ماه رجب به گونه‌ای پرشور برگزار شود. درخصوص بحث اعتکاف می‌توان گفت: انسان کامل از دیدگاه اسلام، باید دارای ویژگی‌های معینی در ابعاد فردی و اجتماعی باشد و عمل به وظایف اجتماعی با همه ارزش و اهمیتی که دارد، به تنهایی انسان را به کمال مطلوب نمی‌رساند، بلکه ورود به عرصه جامعه و فعالیت‌های اجتماعی هرگاه پشتوانه‌ای از ایمان و برخی ویژگی‌های خاص به همراه نداشته باشد، مایه سقوط انسان به ورطه تباهی و نابودی خواهد بود. اما پرداختن به مسئولیت‌های اجتماعی چنانچه دارای پشتوانه‌ای معنوی و برخاسته از پیوندی استوار با مبدأ هستی باشد، به خودی خود، ترقی و رشد انسان را به دنبال دارد، علاوه برآنکه رنگ و بوی خدایی می‌گیرد و پرثمر و با برکت خواهد بود. از این‌رو، ادیان الهی پیوند و تقویت با خدا را از نظر دور نداشته‌اند.

حضرت موسی علیه‌السلام با آنکه هدایت جامعه را بردوش داشت، اما برای خلوت به کوه طور می‌رفت و با خداوند نجوا می‌کرد. او در پاسخ به خدا، که چرا قومت را رها کردی و به سوی من شتافتی، عرض کرد: پروردگارا! به سوی تو آمدم تا از من راضی شوی.^{۲۵} اعتکاف در مسجد برای مسلمان فرصتی است تا به فراخور توان و مشاغل اجتماعی‌اش، هر از گاهی برای مدتی از جامعه و مردم جدا شود و به درون روی آورد. معتکف در فضای روحانی مسجد و دوران اعتکاف، فرصت می‌یابد با معبود خویش هرچه بیشتر انس بگیرد و پیوندش را با مبدأ هستی استوار سازد. اعتکاف زمینه مناسبی است تا انسان به کاوش درباره انگیزه‌ها و روحیات خویش بپردازد در جهت رفع نقصان و تکامل آن بکوشد.

شروط و احکام اعتکاف

مراجع عظام شروطی برای اعتکاف مطرح می‌کنند: معتکف باید عاقل باشد. پس دیوانه نمی‌تواند اعتکاف کند و اعتکافش مقبول نیست. اعتکاف حتماً باید به قصد قربت و با اخلاص در مسجد صورت بگیرد. معتکف باید روزها را روزه بگیرد و اگر نتواند یا نخواهد روزه بگیرد اعتکافش صحیح نیست. اقامت معتکف در مسجد نباید از سه روز کمتر باشد، اما زیادتاً از سه روز مانعی ندارد و می‌تواند بیش از سه روز هم بماند. اعتکاف در چهار مسجد معروف (مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و مسجد بصره) یا در مسجد جامع شهر ممکن است.

الزاماً در هر شهر، يك مسجد جامع وجود ندارد. ممكن است شهر داراي چند مسجد جامع باشد. در اين صورت، اعتكاف در هر کدام از آنها صحيح است. اعتكاف از آغاز تا پايان، در يك مسجد صورت گيرد. معتكف بايد از كسى كه اجازه گرفتن از او لازم است اجازه بگيرد. معتكف بايد در مسجد بماند تا ايام اعتكاف سپري شود.^{۳۱}

راه‌های گسترش اعتكاف

اگر بخواهيم يك كار ديني در جامعه اسلامي گسترش پيدا كند بايد اسباب و عوامل آن را فراهم كنيم و با مطالعه دقيق، در رفع مشكلات آن كار بكوشيم. در اين زمينه توجه به چند نکته ضروري است:

۱ - نبايد گرايش‌هاي جامعه روبه افراط و تفریط رود. در واقع، بايد طرح همزمانی ابعاد فردی و اجتماعی دین در جامعه مطرح و بدان توجه شود. این مسئولیت خطیر به‌دوش مبلغان دینی است؛ زیرا هرگاه مردم تنها به جنبه اجتماعی یا فردی دین رو آورند، بهره‌مندی از دین نمی‌گیرند.

۲ - این مسئله باید برای مردم تبیین گردد و به آنها اطلاع داده شود که اعتكاف كار سهلی است. بی‌اطلاعی از احكام و شرایط اعتكاف موجب می‌شود برخی آن را دشوار و دست نیافتنی تصور كنند و حال آنكه گرچه اعتكاف با سختی‌ها و محدودیت‌هایی همراه است، اما كار دشواری نیست. نفس اطلاع پيدا كردن از هرکاری انسان را در مقابل آن كار آرام و متين می‌كند.

۳ - باید ابهامات موجود را زدود تا اعتكاف مساوی با رهبانیت و نیز مقایر با مسئولیت اجتماعی تلقی نشود.

به‌نظر می‌رسد اگر قرار است اعتكاف جایگاه خود را پیدا كند باید تمام نهادها دست به دست هم دهند و مشكلات موجود در این زمینه بخصوص كمبود جا برای معتكفان حل شود.

۴ - همیاری و همکاری دستگاه‌های دولتی برای شرکت نیروهای‌شان در این عمل عبادی ضروری می‌نماید؛ چرا که با شرکت آنان در این مهم، علاوه بر این‌که خود در کوی دوست سکونت می‌گزینند، روح جامعه را سبز می‌کنند، با بندگان صالح هم‌نشین می‌شوند و با دل به خدا دادند و در میان مردمنده مجالست می‌کنند، در ضمن عمل آنان در اجتماع

و در برخورد با هم‌نوع و ارباب رجوع تأثیری شگرف دارد و بر حسن عمل آنان و افزایش وجدان کاری‌شان می‌افزاید.

نتیجه

انسان موجودی است آمیخته از روح و جسم و هر يك از دو بعد انسان برای خود، نیاز به پرورش دارد. برای بعد روحی انسان، که به اعتقاد برخی از تحلیلی‌گران جزو مهم‌ترین بعد انسانی است. عبادت، توجه و سکوت تشریح شده است. تنوع در عبادات به دلیل نیازهای گوناگونی است که این بعد دارد و اصولاً هر بخش نیازی را برطرف می‌کند؛ مثلاً، خمس و صدقه روح ایثار در انسان می‌دمد و از وابستگی او به مال و منال دنیا می‌کاهد. اعتکاف نیز که آمیخته با چند عبادت است، هم توجه دارد، هم سکوت، هم روزه، ...

اعتکاف بی‌شبهت با جهاد نیست. شرکت در اعتکاف همچون شرکت در جهاد است؛ چرا که همراه با مراعات آداب و شرایطی است که در حقیقت، برای ورود به عرصه جهاد اکبر و مبارزه با نفس لازم است؛ همان که از جهاد با دشمن خارج به مراتب سخت‌تر است.

این عبادت از برخی جنبه‌های اجتماعی نیز برخوردار است. روشن است که یکی از راه‌هایی که به حرکت «اعتکاف» رشد و غنا می‌بخشد تدوین نوشته‌های سودمند و سخنرانی‌ها و موعظه‌ها و جلسات اطلاع‌رسانی به نسل جوان در این مدت است.

فهرست منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. اعتکاف سنتی محمدی، رحیم نوبهار، قم، عمران مساجد.
۳. آموزش فقه، محمد حسین فلاح زاده، قم، الهادی.
۴. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج دوم ۱۳۶۶، تهران، اسلامیه.
۵. تحریر الوسیله، امام خمینی، قم، اسماعیلیان.
۶. تذکرة الفقهاء، یوسف بن مطهر حلّی، قم، آل البیت، ۱۴۱۵ ق.
۷. جواهر الکلام، محمد نجفی، قم، دارالکتب اسلامیه، ۱۳۶۷.
۸. سنن ابی داود، ابوداود سلیمان بن اشعث السجستانی، بیروت، داراحیاء النبویه.
۹. سنن بیهقی، احمد بیهقی، بیروت، دارالمعرفة.
۱۰. سیمای مسجد، رحیم نوبهار، ج دوم، قم، نهضت، ۱۳۷۶.
۱۱. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج نیشابوری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ ق.
۱۲. العروه الوثقی، سید محمد کاظم طباطبائی قدس سره، وجدانی.
۱۳. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، بیروت، دارالاضواء.
۱۴. مجله مسجد، سال دوازدهم، ش ۷۵ اسفند ۸۲.
۱۵. من لایحضره الفقیه، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم، نشر اسلامیه.
۱۶. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبائی، ج دوم ۱۳۹۰، بیروت، موسسه اعلمی.
۱۷. وسائل الشیعه، محمد بن حسن عاملی، ج ششم، تهران، اسلامیه.
۱۸. وفاء الوفاء باخبار المصطفی، علی بن احمد سمهودی، ج چهارم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴ ق.